

گزارش نشست تخصصی مرکز تحقیقات امام علی (ع)

با عنوان: «بیت المقدس و مسجدالأقصی در احادیث حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع)»؛ سخنران: کامیار

صداقت ثمر حسینی، دبیر نشست: مالک شجاعی جشوقانی

زمان برگزاری یکشنبه، 10 تیرماه 1403، ساعت: 8 تا 10 مکان سالن ادب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در ابتدای نشست دکتر مالک شجاعی، دبیر علمی نشست و رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع) ضمن عرض سلام و خیر مقدم به حضار و علاقه مندان مطالعات اسلامی و شیعه پژوهی و نسبت آن با علوم انسانی و تشکر از قبول دعوت سخنرانی دکتر صداقت ثمر در ایام مبارک اعیاد قربان و غدیر و دهه ولایت و امامت، اشاره کردند آشنایی با ایشان از اوایل دهه نود از طریق کتاب جهانی سازی در اندیشه سیاسی متفکران عرب که از لحاظ کمی و کیفی پژوهش درخشانی است، ایجاد شده است، همچنین شجاعی به اثر ارزشمند دیگر صداقت ثمر شیعه پژوهی اهل سنت اشاره کردند و اذعان داشتند بسیار از این کتابی آموخته اند و امیدوارند این آثار تخصصی تر و ادامه دار باشد. در ادامه شجاعی ضمن بیان نکاتی از کتاب جاذبه و دافعه امام علی (ع) از استاد مطهری در خصوص خوارج و اینکه هنوز در جامعه وجود دارند و معرفی پیشینه علمی و آثار دکتر صداقت ثمر، از ایشان دعوت نمود به ارائه سخنان خود بپردازند.

در ادامه نشست دکتر صداقت ثمر عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی ضمن شکرگزاری خداوند بابت حضور در نشستی با محتوای شیعه پژوهی، در دو بخش سخنان خود را آغاز کردند بخش اول وصف حال خود که چه اتفاقی افتاد که در ذهنشان در رابطه با احادیث مربوط به بیت المقدس و مسجد القصی مسئله ایجاد شد و بخش دیگر بخشی که مربوط به احادیث شریفه با تأکید بر آنچه حضرت علی (ع) بیان شده است.

صداقت ثمر در رابطه با اینکه چه شد این دست احادیث برایشان به عنوان یک مسئله در آمد اذعان داشتند در اوایل عملیات طوفان القصی در میدان انقلاب شاهد تجمعاتی که برای مطالبه ی جهاد و اعزام به فلسطین شکل گرفت بدو و حین این حضور این سؤال و مسئله در ذهن اینجانب شکل گرفت از چه زمانی مطالبه جهاد و اعزام برای جهاد در بین ایرانیان شکل گرفت و این آغاز راهی بود که اینجانب را به سمت احادیث مسجد القصی رهنمود کرد. در این راستا اسناد مربوط به شهربانی و وزارت امور خارجه که در سایت کتابخانه ملی ایران موجود بود مورد جستجو و بررسی قرار گرفت و اولین جایی که ایرانیان به صورت خودجوش مطالبه جها و اعزام با دشمنان فلسطین و آزادی فلسطین را داشتند مورد بررسی قرار گرفت.

در این جستجو مشخص شد یک سندی موجود هست در کتابخانه ملی که مربوط به سال 1312 که تقریباً معادل 1934 است که در این سند دستورالعملی برای جراید وضع شده است که از طرح هرگونه اخبار فلسطین در روزنامه ها و جراید دوره پهلوی اول منع شده اند.

اگر تأمل شود که در این سال در فلسطین چه جریاناتی در حال شکل گیری بوده است در می یابیم 1935 عزالدین قسام به شهادت رسیده است و دوره پهلوی اول از انتشار این جریانات در کشور ممانعت می کردند. اما به طور خاص اولین جایی که در رابطه با اعزام نیرو به فلسطین نشانه ملموسی دیده می شود سال 1327 شمسی هست در این سال در سی خرداد آن سال در مسجد سلطانی بازار تهران آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی یک اجتماعی را برگزار کرد و جمعیت زیادی حضور پیدا کردند که در آنجا فتوای جهاد را اعلام نمود و در روزنامه پرچم در آن زمان که به میلادی حدود 1948 یا 1949 (1327 شمسی) بود فدائیان اسلام اعلام کردند ما پنج هزار داوطلب را برای اعزام به فلسطین ثبت نام کردیم. تعداد زیادی از اسناد و مدارک شهربانی موجود است که در آنجا اعلام می کنند مردم در شهرهایی تجمعاتی برای دفاع از فلسطین برگزار کرده اند و ثبت نام از داوطلبان جهاد در فلسطین انجام می گرفته است.

یک از نمونه های این اسناد یک گزارش از شهربانی است مبنی بر اینکه اطلاعیه هایی برای اعزام در شهرهای تهران، قم، قزوین، شیراز، اهواز، آبادان، دزفول و مسجدسلیمان و خیلی شهرهای دیگر موجود است که مایه حیرت خواننده می شوند. در آنجا نوشته شده بود: "برای اطلاع عموم مسلمانان و به ویژه جوانان مسلمان خوزستان آگهی می شود می دانید خطر صهیونیست در فلسطین کاملاً با مسلمانان روبرو شده و روزی نیست خون های پاک مسلمین در این سرزمین که قلب ممالک اسلامی است ریخته نشود اکنون امتحان بزرگی برای مسلمانان جهان پیش آمده است و باید ایمان اشخاص در این رستاخیز بزرگ معلوم گردد. می دانید که در تهران داوطلبانی برای کمک به مجاهدین اسلامی آماده شده از دولت وقت تسهیلاتی خواسته اند به پروری از این مرام مقدس دفتر نام نویسی در مطب آقای دکتر حکیم شوشتری در اهواز زیر نظر حضرت آیت الله آقای حاج سید علی کمالی آماده شده است" این کارها به صورت خودجوش برای ثبت نام صورت می گرفت.

صداقت ثمر در ادامه بیان کرد آنچه می توان تخمین زد این است که اگر این پنج هزار نفر و تمام این شهرها در نظر گرفته شوند و مرحوم استاد محمد رضا حکیمی هم در خاطرات خود بیان می کند: "من خودم به یاد دارم در فیضیه ی قم در حدود سال های 1324 و 25 دفتری را گشوده بودند و از داوطلبان جهاد برای فلسطین ثبت نام می کردند" شاید تعداد این ها بالغ بر ده هزار نفر هم بشود. پس دریافتیم در آن مراسم میدان انقلاب تاریخی نیز پیشینه اش بوده است و در اینجا یک سؤال دوم مطرح شد و آن اینکه اگر در آن زمان این تعداد افراد و اجتماع و سخنرانی ها در شهرهای مختلف برای دفاع از فلسطین برگزار شده است اینها چه بازتابی در

میان فلسطینی ها در همان دوران داشته است؟ فلسطینی ها یکی از پرکارترین ها در امر جراید و نشریات بوده اند. نشریاتی مثل الجامعه العربیه، الجامعه الاسلامیه، الدفاع، القدس، فلسطین و خیلی نشریات دیگری که از قدیم داشته اند و برخی از آنان مانند استاد محمد علی الطاهر که در قاهره فعالیت می کرد خیلی از آنان در قدس فعالیت می کردند صاحب نشریاتی بودند و بنده قبلا همین پرسش را درباره مراسم براءت از مشرکین جستجو می کردم و مرحوم محمد علی الطاهر به سال 1920 و 21 رسیدم و دریافتم فلسطینی مراسم براءت از مشرکین داشتند برای اینکه جلب توجه مسلمانان جهان را کنند که در این مراسم شرکت کنند.

صداقت ثمر افزود با تطابق تاریخ ها این سوال دوم مطرح شد که در رابطه با اجتماعاتی که در تهران برگزار شده است فلسطینی ها چه برداشتی از ما دارند؟ به طور مختصر می توان گفت اولاً پربسامد ترین شخصیت شیعه در نشریات فلسطین مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء است، بعد از ایشان با اختلاف خیلی زیاد مرحوم سید ابوالقاسم کاشانی است و همین مراسم تهران که در مسجد سلطانی برگزار شده بود بازتاب وسیعی در آنجا داشت. نکته ی دیگر اینکه همه در رابطه با آن نماز معروف معروف کاشف الغطاء در 1350 قمری در مسجد القصی و به امامت ایشان برگزار شد، اطلاع دارند و شنیده اند و اطلاع دارند، اما در این نشریات با این مسئله مواجه هستیم که فلسطینی ها این نماز را به خاطر مسئله وحدت اسلامی در مقابل صهیونیست به امامت مرحوم کاشف الغطاء در مسجد القصی آگاهانه سپردند که یکی از بزرگترین مساجد جهان اسلام هست. یک مورد دیگر در این نشریات اخبار مربوط به وقایع شهر تهران و شهرهای دیگری از ایران موجود بود و این نشان می دهد که این وقایع در فلسطین بازتاب داشته است و فلسطینی ها را دلگرم می کند لیکن یک خبر از بین این اخبار باز هم ایجاد سوال می کند که ذهن را به احادیث شریف نزدیک تر می کند و آن خبر این بود که در الأظهر در آن دوره (زمانی که قدس در اختیار اردن است یعنی جنگ 6 روزه اعراب 1967 اتفاق نیفتاده بود) اختیار بخشی از قدس در دست اردن است، علمای الأظهر یک فتوایی را صادر کردند مبنی بر اینکه سفر برای زیارت مسجدالقصی واجب است و مرحوم کاشف الغطاء به این فتوی پیوست و در جراید فلسطینی خیلی بازتاب داشت و ایشان هم اعلام کرد سفر به بیت المقدس واجب است و در اینجا این سوال مطرح شد که در رسائل عملیه و مانند اینها معمولاً در رابطه سفر زیارت به بیت المقدس چه رساله های قدیم و چه جدید کمتر دیده ایم، صداقت ثمر در ادامه تأکید معنی جهاد و دفاع قابل فهم است ولی چرا چنین فتوایی برای سفر به بیت المقدس صادر شده و این سفر واجب شده است؟ خوب می دانیم که جهاد شرایطی دارد و اگر شرایط برقرار شود و حتی با حضور امام معصوم واجب واجب کفایی است اما دفاع برای کسانی که مورد حمله قرار گرفتند واجب عینی است و هیچ شرایطی نیز ندارد یعنی پیر و جوان و ... باید وارد جهاد شوند و اگر استقاوه آن افرادی که گرفتار تهاجم شده اند به گوش مسلمانان دیگر برسد بر آنها نیز دفاع کردن واجب است؛ اما قضیه ی

سفر زیارتی را چه می توان کرد؟ اینجا بود که احادیثی که درباره بیت المقدس و مسجد القصی وارد شده بود مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت بلکه مشخص شود مرحوم کاشف الغطاء این فتوی را به چه علت بیان کرده است. در این راستا مجموعه ای از احادیث که از مهم ترین این احادیث از حضرت امیرالمؤمنین (ع) هم وارد است، مورد مطالعه قرار گرفت. از زمره ی این احادیث روایت معروف "لاتشد الرحال" است که این احادیث لاتشد الرحال در بحث وهابیت هم خصوصا زیارت مرقد مطهر حضرت رسول الله (ص) بسیار مطرح شده است، روایت چنین است پیامبر می فرماید: " لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجد الرسول صلی الله علیه وسلم، ومسجد الأقصى" بار سفر بستن به سوی مساجد جز مسجد الحرام و مسجد من و مسجد بیت المقدس جایز نیست. این حدیث در باب این نیست که سفر جز به سوی این سه مسجد جایز نیست و ما سفر می کنیم برای زیارت دوستان برای اقوام مطلق سفر نیست اما حریت توجه می دهد که به این سه مسجد باید سفر کرد. از نوالدین علی بن ابی بکر در مجمع الزوائد نیز همین روایت از امیرالمؤمنین برای مؤمنین آورده با لفظ مسجد القصی که حدیث فوق از بسیاری از صحابه در انواع مختلف در معنی مشترک نقل شده است از جمله در حدیث امام علی (ع) با لفظ بیت المقدس باز از مسجدالقصی یاد شده است.

دو خانه هست یکی بیت الله حرام که ما وادی آن هستیم و دیگری قصری که بر بلندای بیت المقدس مشرف است و بنا نهاده شده است و این تعبیر به قصر در احادیث از طرق شیعه نیز موجود است امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند الوعدہ اصول جنت و الدنیا و بعد یکی یکی اسامی مساجد را بیان می کنند.

صداقت ثمر در ادامه افزود یک مجموعه ای از احادیث وجود دارد که در رابطه با آفرینش هستند و ابوبکر الباسطی در کتاب فضائل بیت المقدس بیان می کند که زمین پر از آب بود از حضرت امیر المؤمنین (ع) و خداوند باری را فرستاد و بر اثر آن قطعه زمینی آشکار شد و چهار نقطه از زمین جدا شدند که مکه، مدینه، کوفه و بیت المقدس بودند. یا روایتی وجود دارد در رابطه با طینت مؤمنان که گل زمینی آنها را امیر المؤمنین (ع) بیان می کنند که از پنج گل مؤمنان سرشته شده اند و اشاره می کند به مکه، مدینه، کوفه، بیت المقدس و حائر حسینی.

صداقت ثمر افزود در تحقیق درباره سفرنامه های حاجیان ایرانی می شود یک فصل درباره زیارت بیت المقدس استخراج کرد و به چند بخش می شود تفکیک شوند: سفرنامه های افرادی که سفر کردند و بیت المقدس را در ذیل سفرنامه های حج زیارت کردند و توصیفات بیت المقدس را بیان می کنند، اگر نقشه ی هوایی بیت المقدس دیده شود کل محوطه ای که دیوار دور تا دور آن است؛ مسجد القصی است، تنها بخش قبه طلا ای که مساجد دارند مسجد به حساب نمی آید بلکه کل مجموعه حکم مسجد است و درب های مختلفی دارد.

مجموعه دیگری از روایات در باب فضیلت والای نماز در مسجدالرسول، مسجد القصی و بیت المقدس و ... هست.

در ادامه نشست صداقت ثمر تأکید کرد نکته ای که حائز اهمیت است این است که در دوره معاصر با توجه به وقایعی که در اشغال فلسطین رخ داد یک سطح جدید از تفسیر احادیث شریفه شکل گرفت، این در در مرحوم کاشف الغطاء که یکی از پربارترین افراد در مسئله فلسطین هستند و در جراید فلسطین بسیار انعکاس داشت و دیگری مرحوم حاج میرزا خلیل کمره ای است که اشاره می کند احادیثی که وارد شده است در رابطه با زیارت بیت المقدس و احادیثی که در رابطه با فضیلت نماز در این مساجد 4 گانه هست سه مسجد به طرق شیعه و یک مسجد به طرق اهل سنت، این احادیث اشاره می کنند که این خانه ها هیچ گاه نباید خالی بشود یعنی این چهار نقطه در عالم همواره باید پر باشند و جمعیت اسلامی و مسلمان به سوی آنها روان باشند. اگر با خط کش موقعیت این مساجد را به هم متصل کنیم (مکه و مدینه و مسجد القصی و کوفه) با یک مستطیل مواجه می شویم که اگر پیرامون آن را هم در نظر بگیریم کل غرب آسیا را دربر میگیرد یعنی این منطقه ای هست که نباید هیچ گاه خالی بماند. این تفاسیر هست که فتوی به سوی زیارت می رود در اینجا است که وجوب دفاع مشخص می شود اما وجوب دفاع وجوب زیارت به سوی یک مسجد با همین احادیث می تواند بیان شود. نکته دیگر این هست که دو دسته احادیث از پیغمبر اکرم نقل شده است: یک دسته از این احادیث مجموعه ی احادیث اشاره می کند باید در بیت المقدس چراغ افروخت و چراغ خانه ی مسجد باید همواره روشن باشد. برخی از احادیث که امروزه خوانده می شوند وقتی با مسئله روز در رابطه با فلسطین عرضه می شود معنای دیگری به خود می گیرد شاید در یک دوره ای حدیثی خوانده می شد و فقط به یاد نمازهای قضا و مانند اینها می افتادند اما اکنون متوجه دفاع از حریم اسلام، دفاع از جمعیت اسلام، و یک سری احادیث که در صدد حفظ قلمرو اسلام هستند می شوند. یک حدیث از امام صادق (ع) بیان شده است «وَقَالَ: إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَأ يُنَادِي عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ كُلِّ لَيْلَةٍ مَنْ أَكَلَ حَرَامًا مَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا» که خداوند فرشته ای دارد که هر شب بر بلندای بیت المقدس بانگ بر میدارد هرکس حرام بخورد خداوند نه نافرمانی او را قبول می کند و نه نماز واجب او را. این حدیث اگر در گذشته خوانده می شد، مضمون؛ مضمون کلی است که حرام خواری مرحوم کاشف الغطاء عنوان می کند 4 دسته است یا عبادات است یا معاملات، یا ایقانات (نزولات و اوقاف) است و یا احکام\_ مثل نوامیس و سیاسات) است. این طور می فهمیدند که عبادات یعنی نماز و روزه قبول نمی شود مگر معاملات ما یعنی افراد با یکدیگر معامله کنند مگر اینکه حلال باشد، امروزه علما در تفسیر این حدیث می گویند چرا این فرشته از بیت المقدس بانگ برمی آورد؟ چرا از جای دیگر نیست؟ وقتی این سؤال مطرح می شود امروزه می گویند که چرا کشورهای اسلامی واردات و صادرات با رژیم صهیونیستی دارند؟ آیا این حدیث

نمی خواهد از آنجا پیامی را به مسلمانان دهد؟ و در صیاق مسئله می تواند دید که سؤالات هم پاسخ های جدیدی دریافت می کند. یا یک دسته احادیث دیگر وجود دارد که اتفاقاً از امیرالمؤمنین (ع) است این احادیث آمده که بیت المقدس سرزمین قیامت است و ناصر خسرو در سفرنامه خود به همین مسئله اشاره کرده است. و در احادیث شیعه هم اینکه قیامت از بیت المقدس هست دیده می شود و یک حدیث هم بیان می کند قیامت علاوه بر بیت المقدس در قم هم هست و قم با قرارداد امروز شناخته می شود و البته حدیثی هم هست به جغرافیایی که اهل بیت اشاره می کنند و ری را با قم قید می کنند.

در ادامه نشست صداقت ثمر به عین عبارت مرحوم آیت الله کمره ای اشاره کرد با این عنوان که "زمین بیت المقدس زمین قیامت و محل خشم بندگان اما لفظ سرزمین محشر شاید مراد نه سرزمین محشر قیامت باشد بلکه شاید رستاخیز مبارزات ملل و موقعیت جهانی آن باشد که کانون تشنجات و انقلابات و سرو صداها بوده و هست و تاریخ گذشته چنین بوده و آینده هم و حوادث بزرگی آبتن است" از مجموعه روایات آیت الله کمره ای عین این عبارات را بیان کرده است که "مسلمین نباید آنجا را مهمل بگذارند و از ترک آمد و شد خود بدان آنجا را تحویل دیگران بدهند" در این بیانات دیده می شود که فهمی که از احادیث شریفه در آن دوره است با دوره متأخر متفاوت شده که حتی قیامت را هم قیامت این جهانی را هم در نظر دارند که در این سرزمین مقدس شکل می گیرد.

صداقت ثمر در پایان سخنان خود بیان کرد مجلس امیرالمؤمنین (ع) است و مبتدای مجلس به نام نامی امیرالمؤمنین امام علی (ع) است مبتلا هم باید امیرالمؤمنین باشد، خبر هم باید امیرالمؤمنین علی (ع) باشد و می دانیم که فتح بیت المقدس به مشاوره امیرالمؤمنین (ع) بوده است و اعزام سپاه به سمت شام نیز با مشاوره ی حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود و کار مسلمانان در تصرف بیت المقدس به درازا انجامید و شهرهای مختلف شام را مسلمانان فتح کردند اما بیت المقدس همچنان می جنگید و این طبیعت آن منطقه است که به اعتقاد مسیحیان مدفن حضرت عیسی (ع) است با نهایت جانفشانی از شهر مقدس خود دفاع می کردند. تا آنکه 4 ماه محاصره ی بیت المقدس به طول انجامید و مورخان بیان می کنند در آن زمان عالم بزرگی از بیت المقدس مسیحیان نامه ای را به ابوعبیر نگاشت امان نامه ای می خواستند و با این تصمیم موافقت شد اما شرطی گذاشتند که خلیفه ی مسلمانان در یعنی عمراین خطاب خود باید حضوراً وارد بیت المقدس شود و معاهده ی را امضا کند که جان و مال و نوامیس و معابد مسیحیان در امان بماند. خبر به جانب اردوی اسلام رسید خلیفه مجمعی را برپا کرد همگان موافق این بودند که توجهی به تصمیم اهالی شهر نکنیم و شهر را با قدرت شمشیر به تسخیر درآوریم اما امیر المؤمنین (ع) به گواه تاریخ فرمودند اینکه نامه تسلیم اهالی بیت المقدس رسیده است خود مرحله ای از فتح و موفقیت مسلمانان است و توصیه می کنم که خلیفه شخصاً به آنجا برود و

معاهده را امضا کند چرا که این موجب می شود خون های کمتری ریخته شود و آنچه مدنظر مسلمانان هست محقق شود که همین اتفاق هم افتاد و شهر بعد از 4 ماه محاصره بدون جنگ و خونریزی به تسخیر مسلمانان در آمد.